

روسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو گروه ۱۰ و موسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز برای کمک به پیشرفت در این حوزه فراخوانده شده‌اند.

### رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری برای فعالیت‌های وام‌دهی بانک‌ها، یک بخش اساسی از فرایند مدیریت صحیح ریسک اعتباری در یک بانک می‌باشد.

همه ناظران با توجه به رهنمودهای ارائه شده در این مقاله، به بازنگری و اصلاح رهنمودها یا مقررات جاری‌شان به شیوه‌ای که با سیستم‌های ملی آنها بهتر سازگاری داشته باشد، تشویق می‌شوند<sup>(۱)</sup>. همچنین در کشورهایی که با توجه به مقررات ملی آنها، اندازه ذخایر زیان وام یا افشاهای ریسک اعتباری، کافی نیست، ناظران ممکن است به دلایلی، بهبود در مقررات افشا یا حسابداری ملی را مفید تشخیص دهند و رهنمودهای نظارتی خاصی را برای مثال، در خصوص کفایت سرمایه و اهداف گزارش‌گیری نظارتی، ارائه دهند. برای این که استانداردهای حسابداری ملی مناسب و کافی به نظر برسند، ناظران می‌بایست در بهبود استانداردهای حسابداری تلاش نمایند.

رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری برای فعالیت‌های وام‌دهی بانک‌ها، یک بخش اساسی از فرایند مدیریت صحیح ریسک اعتباری در یک بانک

با وجود آن که کمیته بال تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری بین‌المللی نمی‌باشد، اما ناظران بانکی، در خصوص اطمینان از احتیاطی و صحیح بودن رویه‌ها و اصول حسابداری و همچنین مناسب بودن افشاهای موسسات بانکی، دارای حق مشروع و قانونی می‌باشند.

عموماً ناظران بانکی رهنمودهای نظارتی در خصوص استانداردهای گزارش‌دهی و الزامات کفایت سرمایه را تهیه می‌نمایند، اما در بعضی از حوزه‌های قضایی، ناظران بانکی اختیار تصمیم‌گیری در خصوص رویه‌ها و اصول حسابداری را ندارند. به هر حال، در چندین کشور، ناظران بانکی استانداردهای حسابداری و رهنمودهای حسابداری را تهیه می‌کنند، یا عموماً در خصوص اصول پذیرفته شده حسابداری برای صورت‌های مالی بانک‌ها و گزارش‌های احتیاطی مورد استفاده به وسیله ناظران، شرح و بسط مفصلی را ارائه می‌نمایند.

رفتارهای حسابداری به طور عام و رفتارهای حسابداری وام به طور خاص، می‌توانند به طور معنی‌داری بر دقت گزارش‌های نظارتی و محاسبات مرتبط با موضوع سرمایه اثرگذار باشند.

بدون تردید، یکسان‌سازی و شفافیت بیشتر در خصوص نحوه ارزیابی وام‌ها، ذخیره‌گیری برای زیان وام‌ها و منابع در معرض ریسک اعتباری، منافع قابل توجهی دارند. علاوه بر این، کمیته بال، وزرای امور اقتصادی و دارایی کشورهای عضو گروه ۷،

## رویه‌های

## صحیح

## افشا

## و

## حسابداری

## وام

### بخش سوم

### اشاره

هدف کمیته بال از انتشار مقاله‌ای درباره رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام‌های اعطایی از سوی بانک‌ها، همانا تسهیل نظارت موثر بانکی و نظم بازار بانک‌هاست و کمیته مزبور اعتقاد دارد که این مقاله می‌تواند ضرورت بهبود استانداردهای مربوط به افشا و حسابداری فعالیت‌های وام‌دهی بانک‌ها را آشکار سازد. در بخش‌های قبلی این مقاله که توسط بانک مرکزی به فارسی برگردانده شده است، پس از ذکر کلیات و مقدمات، به شرح اهداف و دامنه کاربرد این مقاله پرداختیم و اینک ادامه آن را تقدیم می‌کنیم.

بانک و اقتصاد

② رفتارهای حسابداری به طور عام و رفتارهای حسابداری وام به طور خاص، می‌توانند به طور معنی‌داری بر دقت گزارش‌های نظارتی و محاسبات مرتبط با موضوع سرمایه، اثرگذار باشند.

ملی، یک پروژه مشترک بلندمدت را برای شناسایی و اندازه‌گیری مسایلی در خصوص بدهی‌ها و دارایی‌های مالی متقبل شده‌اند<sup>(۵)</sup>.

رویه‌مرفته، واریسی و بازنگری موضوعات حسابداری و افشا توسط کمیته بال تا جایی که احساس شود که این بازنگری بر قدرت ناظران برای ارتقای سطح صحت و سلامت بانک‌ها و ثبات سیستم مالی موثر می‌باشد، تداوم می‌یابد. کمیته بال ضمناً در نظر دارد که با تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، به منظور افزایش سطح بهبود و یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری تا جایی که به بانک‌ها مرتبط باشد، همکاری نماید.

### واژگان و اصطلاحات مورد استفاده

سوءتعبیرها و درک‌های نادرستی که در بحث افشا و حسابداری وام در سطح بین‌المللی به وجود می‌آید، می‌تواند ناشی از تفاوت برداشت‌ها در واژگان میان کشورها باشد. لذا برای پرهیز از این وضع، در این مقاله، یکسری واژگان منسجم به شرح زیر به کار برده شده‌اند:

□ وام، عبارت است از یک دارایی مالی ناشی از تحویل مبالغ نقدی یا دیگر دارایی‌ها به وسیله یک قرض‌دهنده به یک قرض‌گیرنده در ازای تعهد به بازپرداخت در یک تاریخ یا تاریخ‌های مشخص و یا به محض تقاضا، که معمولاً با بهره (سود) همراه می‌باشد<sup>(۶)</sup>.

□ وام‌ها متشکلند از: (a) وام‌های کارت اعتباری (اضافه برداشت)، اعتبار در حساب جاری و اقساط مشتریان؛ (b) وام‌های رهنی مسکونی؛ (c) وام‌های غیرشخصی مانند وام‌های تجاری، تامین مالی پروژه‌ها و وام‌های اختصاص داده‌شده برای فعالیت‌های تجاری، موسسات مالی، دولت‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها؛ (d) تامین مالی مستقیم اجاره‌ها؛ (e) دیگر قراردادهای تامین مالی که در اصل و ماهیتاً جزو وام‌ها قلمداد می‌شوند.

□ سرمایه‌گذاری‌های ثبت‌شده در خصوص یک وام یا گروهی از وام‌ها، عبارتست از ارزش اصل یا اسمی وام با در نظر گرفتن پرداخت‌های انجام‌شده‌ای که ارزش اسمی را کاهش می‌دهند و تعدیلاتی که بیانگر بهره‌های متعلقه وصول‌نشده، بخشی از وام که

می‌نماید. در مقابل، افشاهای ناکافی این احتمال را افزایش می‌دهند که اطلاعات گمراه‌کننده باعث عدم‌ثبات بازار شوند. علاوه بر این، رویه‌های صحیح حسابداری و افشا - به وسیله تسهیل نظم بازار - تلاش‌های نظارتی را برای تشویق بانک‌ها به حفظ کنترل‌های داخلی و رویه‌های مدیریت صحیح ریسک، کارآمد می‌کنند.

تجارب نشان می‌دهند که درجه شفافیت با توجه به ریسک اعتباری فعالیت‌های وام‌دهی یک بانک در کشورهای گروه ۱۰ و غیر آن، می‌تواند بهبود و توسعه داده شود. برای بهبود شفافیت، ناظران و دیگر خطمشی‌گذاران می‌بایست در نظر داشته باشند که افشاهای عمومی هزینه‌بردار است و به طور بالقوه می‌تواند در شرایط خاص ضعف و کاستی‌هایی داشته باشد<sup>(۴)</sup>. به‌رحال، مساله مذکور این قضیه را رد نمی‌کند که جریان افشا، مشوق‌هایی را برای بانک‌ها



② استانداردهای صحیح حسابداری، دستیابی به سطح رضایت‌بخشی از شفافیت را ضروری می‌دانند.

فراهم می‌آورد تا فعالیت‌هایشان را به شیوه‌ای کارا و صحیح انجام دهند.

مباحثی نیز در میان تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری بین‌المللی و ملی در خصوص نحوه حسابداری ابزارهای مالی - از جمله وام‌ها - در جریان است که می‌تواند موجب یکسان‌سازی و بهبود آنها شود. برای مثال، کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری و چندین تدوین‌کننده استاندارد حسابداری

**علت عمده شکست‌های بانکی، مدیریت ضعیف ریسک اعتباری و کیفیت ضعیف اعتبارات بوده است.**

می‌باشد. تجارب نشان می‌دهند که علت عمده شکست‌های بانکی، مدیریت ضعیف ریسک اعتباری و کیفیت ضعیف اعتبارات بوده است. بدیهی است که ضعف در تشخیص و شناسایی به‌موقع زوال کیفیت اعتباری، می‌تواند موجب تداوم و حادث‌شدن مساله گردد. بانکی که بر رویه‌ها یا استراتژی‌های وام‌دهی پریسک خود اصرار می‌ورزد، در اثر انباشت و تراکم عمده زیان‌های وام، احتمالاً با شکست مواجه می‌شود، مگر این که زوال و آسیب‌های وارده به کیفیت اعتبارات، به‌موقع تشخیص داده شوند و زیان‌ها به وسیله حذف یا ذخیره‌گیری کافی، شناسایی گردند. بنابراین، از منظر صحت و سلامت بانکی، برای ناظران بانکی مهم است که اصول مورد استفاده به وسیله بانک‌ها، بیانگر معیارهای واقعی و احتیاطی در خصوص دارایی‌ها، بدهی‌ها، حقوق صاحبان سهام، قراردادهای ابزار مشتقه، تعهدات زیرخط ترازنامه و سود و زیان‌های مربوطه باشند. ضوابط کیفیت سرمایه نیز به عنوان یک ضربه‌گیر در مقابل زیان‌های وام عمل می‌کند. اما اگر سیاست‌های زیربنایی حسابداری ضعیف باشند، به زیادنمایی و غلو در خصوص سرمایه منجر می‌شوند<sup>(۲)</sup>. بنابراین، رفتارهای حسابداری نامناسب، به سودمندی ضوابط سرمایه آسیب می‌رسانند و ارزیابی‌های درست، مدیریت صحیح و همچنین کنترل منابع در معرض ریسک یک بانک را مختل می‌سازند. علاوه بر این، تفاوت‌های عمده در رفتارهای حسابداری ممکن است موجب تحریف‌های رقابتی شوند.

از سوی دیگر، استانداردهای صحیح حسابداری، دستیابی به سطح رضایت‌بخشی از شفافیت را ضروری می‌دانند. به عبارت دیگر، افشای عمومی اطلاعات معتبر و موثق، فعالان بازار و دیگر استفاده‌کنندگان از اطلاعات را قادر می‌سازد تا ارزیابی دقیقی از عملکرد و شرایط مالی یک بانک، فعالیت‌های تجاری‌اش و ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌هایش داشته باشند<sup>(۳)</sup>. به‌علاوه، افشای اطلاعات معتبر برپایه اصول صحیح حسابداری و سیستم‌های کنترل داخلی، نظم بازار را تسهیل می‌بخشد و اعتماد به سیستم بانکی را تقویت

به حساب هزینه منظور شده (حذف)، کسر یا صرف مستهلک‌نشده (به عبارت دیگر، تفاوت بین نرخ خرید و ارزش اصل) و هزینه‌های مستهلک‌نشده وامی باشد. ارزش دفتری یک وام یا یک گروه از وام‌ها، به ارزش خالص گزارش شده برای یک وام یا گروهی از وام‌ها در ترازنامه اطلاق می‌شود. به عبارتی دیگر، سرمایه‌گذاری ثبت شده، منهای هر نوع ذخایر عام و خاص (۷).

▣ آسیب‌دیدگی یک وام، بیانگر تنزل کیفیت اعتباری یک وام یا تعداد زیادی از وام‌ها می‌باشد، به طوری که احتمال داده شود که بانک قادر به وصول آنها نباشد و یا اصلاً تضمینی وجود ندارد که بانک بتواند همه مبالغ قابل‌پرداخت را مطابق با شرایط قرارداد وصول نماید. (۸)

▣ ذخیره‌گیری (۹) برای وام آسیب‌دیده، عبارتست از آن مبلغی که سرمایه‌گذاری ثبت شده بر روی یک وام یا یک گروه از وام‌ها را تا سطح ارزش دفتری آنها در ترازنامه کاهش دهد.

▣ ذخیره خاص، عبارتست از ذخیره‌گیری درمقابل زبانی که برای یک وام خاص شناسایی شده باشد (۱۰).

▣ ذخیره عام، عبارتست از ذخیره‌گیری در مقابل زبان‌های بالقوه‌ای که از وجودشان اطلاع داریم، اما هنوز نمی‌توانیم آنها را به وام‌های خاصی مربوط بدانیم (۱۱).

▣ حذف یا به حساب زبان منظور کردن یک وام، سرمایه‌گذاری ثبت شده در خصوص وام و مقدار ذخایر در نظر گرفته شده آن را لاگر ذخیره‌ای قبلاً در نظر گرفته شده باشد - کاهش می‌دهد (۱۲). وقتی که همه یا بخشی از یک وام غیرقابل وصول تلقی شود، یا اصلاً دورنمای واقعی از بازیافت آن وجود نداشته باشد، حذف شده یا به حساب زبان منظور می‌گردد.

▣ یک وام وقتی "وام مساله‌دار تجدیدساختار شده" تلقی می‌شود که قرض‌دهنده به دلایل مقرراتی یا اقتصادی و با توجه به مشکلات مالی قرض‌گیرنده، امتیازی را به وی اعطا نماید که در شرایطی غیر از آن، این امر صورت نمی‌گیرد.

▣ نرخ بهره موثر یک وام، نرخ بازده ضمنی یک وام می‌باشد. به عبارت دیگر، نرخ بهره مورد نیاز برای تنزیل جریان‌های نقدی قراردادی در طی دوره بازپرداخت وام تا میزانی معادل با بهای تمام شده وام می‌باشد. بر همین اساس، نرخ بهره قراردادی عموماً برای هرگونه هزینه‌های معوق خاص وام که از نظر

ماهیتی شبیه به بهره می‌باشند (برای مثال، بر مبنای زمان یا با توجه به مقدار وام محاسبه می‌شوند) و یا هرگونه کسر و صرفی که در وام ایجاد شده و یا وام خریداری شده موجود باشد، تعدیل می‌گردد. ■

#### ادامه دارد

#### زیر نویس‌ها

(۱) بعضی از ناظران ممکن است بخواهند رویه‌های صحیح ارایه شده در این مقاله را با تهیه رهنمودهای تفصیلی‌تر تکمیل نمایند.

(۲) موافقتنامه کمیته بال بر مبنای رویکرد "دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری و ریسک بازار" الزامات حداقل سرمایه برای بانک‌ها را مشخص می‌نماید. در اصل ذخیره خاص، مقادیر موزون به ریسک را کاهش می‌دهد و هم ذخیره خاص و هم ذخیره عام زبان وام سرمایه سطح اول را کاهش می‌دهند. زیرا این ذخایر با منظور شدن در صورت حساب سود و زیان، منجر به کاهش حقوق صاحبان سهام می‌شوند. طبق همین موافقتنامه، ذخایر عام زبان وام به میزانی که حاکی از کاهش کیفیت مشخصی در ارزش دارایی‌های خاص - خواه یک دارایی خاص یا یک گروه از دارایی‌ها - نباشد، می‌تواند در سرمایه سطح دوم منظور شود. البته سقف آن تا ۱/۲۵ درصد دارایی‌های موزون شده به ریسک خواهد بود.

(۳) کمیته بال توصیه‌های عمومی درباره افزایش بانک‌ها را منتشر نموده است.

(۴) برای مثال، وقتی بازار آگاه می‌شود که یک بانک در یک موقعیت ضعیف قرار گرفته است، ممکن است کسانی که مسوولیت حفظ حقوق سپرده‌گذاران و مدیریت ریسک سیستماتیک را به عهده دارند، شدیدتر از آنچه مطلوب نظر مراجع ذیصلاح می‌باشد، به این وضعیت واکنش نشان دهند. با وجود این، ناظران ملزمند که به دلیل فقدان اطلاعات به موقع و معتبر، این موضوع را به حساب واکنش‌های بازار منظور نمایند.

(۵) کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مقاله‌ای را با موضوع "حسابداری دارایی‌های مالی و بدهی‌های مالی" در مارس ۱۹۹۷ منتشر نمود. یک استاندارد اولیه بین‌المللی حسابداری در خصوص شناسایی و اندازه‌گیری ابزارهای مالی (استاندارد ۳۹ بین‌المللی حسابداری، IAS ۳۹) نیز در دسامبر ۱۹۹۸ به وسیله کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری تصویب شد.

(۶) این تعریف، در واقع، تعریف سنتی از وام است که در بانکداری متداول در غرب به کار می‌رود، اما در بانکداری اسلامی، تحویل مبلغ نقد به مشتری در موارد کمی اتفاق می‌افتد. لذا وام (تسهیلات) در بانکداری اسلامی دارای تعریف دیگری است.

(۷) در بعضی از کشورها، وام‌ها به صورت خالص (وام پس از کسر ذخایر) در طرف دارایی‌های ترازنامه گزارش می‌شوند. اگرچه در بعضی از کشورها نیز سرمایه‌گذاری‌های ثبت شده و ذخایر زبان وام‌ها، به صورت جداگانه در طرف دارایی‌ها گزارش می‌گردند.

(۸) رهنمودهای حسابداری بعضی اوقات بیانگر این

هستند که می‌بایست از یکی از دو تست آسیب یا تنزل کیفیت استفاده شود، یعنی: (۱) ممکن است که بانک قادر به وصول وام نباشد و (۲) دیگر هیچ تضمین منطقی وجود ندارد که بانک وام را وصول نماید. برای مثال، تست احتمال به وسیله سی‌ونهمین استاندارد بین‌المللی حسابداری (IAS ۳۹) و به وسیله هیات استانداردهای مالی ایالات متحده (FASB) مذکور در استانداردهای ۵ و ۱۱۴ حسابداری صورت‌های مالی تجویز شده است. در حالی که "تست تضمین منطقی" در بخش ۳۰۲۵/۰۳ موسسه کانادایی حسابداران خیره (CICA) و رهنمودهای منتشره به وسیله "موسسه بانکی بریتانیا" مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضمناً یک تاخیر زیاد یا یک کسری عمده در مقدار پرداخت‌ها، الزاماً به معنای تداوم آسیب نمی‌باشد. البته به شرطی که در طی چنین دوره تاخیری، قرض‌دهنده به طور منطقی انتظار داشته باشد که همه مبالغ بدهی را وصول نماید.

(۹) ذخایر (Allowance) بعضی اوقات به ذخایر (Provision) یا ارزش اندوخته‌ها ارجاع داده می‌شوند. باید این نکته نیز یادآوری شود که بعضی از حسابداران، وقتی که به تعدیلات ارزش انباشته دارایی‌های وامی اشاره می‌شود، به صورت نامناسب، از واژگان "اندوخته" (Reserve) و "ذخیره" (Provision) استفاده می‌کنند. برای مثال، کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) ذخیره را به عنوان نوعی بدهی تعریف می‌کند. در حالی که اندوخته را به عنوان بخشی از سرمایه حقوق صاحبان سهام تعریف می‌نماید (ضوابط کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری در خصوص تهیه و ارایه صورت‌های مالی و شماره ۳۷ استانداردهای بین‌المللی حسابداری در خصوص ذخایر، بدهی‌های احتمالی و دارایی‌های احتمالی).

(۱۰) به عنوان یک راه‌حل عملی، ذخیره‌گیری خاص برای زبان وام‌هایی با مانده کم و با خصایص مشترک (برای مثال، مانده کارت اعتباری) می‌تواند براساس فرمولی به صورت کلی و جمعی صورت گیرد، به صورتی که جایگزین روش ذخیره‌گیری براساس وام به وام (ذخیره‌گیری برای هر وام به صورت جداگانه) گردد.

(۱۱) در بعضی از کشورها، فرایند استفاده شده برای برآورد مقدار زبان‌های بالقوه در پرتفوی وام بر این اساس صورت می‌گیرد که قابلیت وصول بعضی از وام‌ها (عموماً وام‌های با مانده زیادتر) به صورت انفرادی و تک‌تک و بعضی دیگر از وام‌ها (عموماً وام‌ها با مانده کمتر) بر مبنای کلی و جمعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(۱۲) زمان حذف و یا به حساب زبان منظور کردن دارایی‌ها، در میان کشورها برحسب مقررات مالی و دلایل دیگر، به طور قابل‌توجهی متفاوت است. در بعضی از کشورها، به جای ذخیره‌گیری خاص برای یک وام انفرادی، بیشتر حذف آن ملحوظ نظر قرار می‌گیرد (به حساب زبان منظور می‌شود) با وجود این، بانک‌ها می‌بایست ثبت‌های انتظامی و آماری وام‌های حذف شده‌ای (به حساب زبان منظور شده) را که هنوز مبلغ آنها به صورت رسمی در حساب بدهکاران ثبت نگردیده است، حفظ نمایند.